



تبیین نقش مشورتی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در توسعه حقوق بین‌الملل

حسین قلی‌زاده^۱، فخرالدین ابوتیبه^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷

چکیده:

سازمان‌های غیردولتی عموماً به‌عنوان سازمان‌هایی که به وسیله دولت‌ها و یا توافقات میان آنها به وجود نیامده‌اند شناخته می‌شوند. یکی از مبنایی‌ترین نقش آنها در تدوین، ترمیم و توسعه حقوق بین‌الملل، نقش مشورتی با سازمان ملل، در جهت اثر گذاشتن بر منازعات بی‌پایان به شیوه‌های مختلف است. آنها در پی آن هستند که مجمع عمومی و دیگر بخش‌های سازمان ملل را برای تصویب قطعنامه‌هایی در موضوعات خلع سلاح، توسعه، حقوق بشر و موضوعات دیگر که جزء علل و ریشه‌های اصلی منازعات هستند مُجاب نمایند. نتایج این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، بیانگر آن است نقش مشورتی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی تا آن اندازه در مسائلی مانند کمک‌های بشردوستانه و مسائل امنیتی و هماهنگی‌ها پررنگ شده که گاه منجر به مباحثاتی بین اعضای شورای امنیت و سازمان‌های بشردوست می‌شود.

واژگان اصلی: سازمان‌های غیردولتی، سازمان ملل، نقش مشورتی، توسعه، حقوق بین‌الملل.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

۲. استادیار و عضو هیات علمی گروه حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. (نویسنده مسئول)



مقدمه

سازمان‌های غیردولتی^۱، از مفاهیمی است که با توجه با ساختار، هدف و همچنین این موضوع که سازمان‌های غیردولتی بر اساس حقوق داخلی دولت‌ها به وجود می‌آیند، امکان اجماع نظر پیرامون یک تعریف واحد را کم‌رنگ می‌نماید. باین‌وجود با استفاده از برخی منابع سازمان‌های غیردولتی به هر سازمان منسجم و علنی گفته می‌شود که گروه‌های داوطلب مردمی به‌صورت قانونی تشکیل می‌دهند و هدف از تشکیل آن رفع نیاز جامعه یا گروه‌های خاصی از افراد بدون انگیزه‌های مادی و اقتصادی است. سازمان‌های غیردولتی می‌توانند فعالیت‌های خود را در چارچوب‌های داخلی تنظیم کنند یا به دنبال نفوذ در آئین‌ها و روش‌های تصمیم‌گیری بین‌المللی باشند.

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به‌عنوان عناصری مؤثر و غیرقابل‌انکار از جانب دولت‌ها و سازمان ملل متحد، در راستای توسعه و ترویج حقوق بشر شناخته می‌شوند و مهم‌ترین مکمل عملکرد دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در عرصه حقوق بشر قلمداد می‌گردد.

در حال حاضر سازمان‌های غیردولتی با نهادهای اصلی و فرعی سازمان ملل متحد مرتبط هستند و با آنان در پژوهش، تدوین و اجرای برنامه‌های مربوطه همکاری و مشارکت دارند. از مهم‌ترین نقش و فعالیت سازمان‌های غیردولتی، نقش مشورتی، اطلاع‌رسانی، آموزش و جامعه‌پذیری، اعمال فشار بر دولت‌ها در جهت تحقق آرمان‌های حقوق بشر، مهار بحران‌های اجتماعی و جهت‌دهی به مطالبات و کمک به رفع موارد نقض حقوق بشر، اقدامات حمایتی و وکالتی و غیره است. بر این اساس، سازمان‌های غیردولتی از مهم‌ترین و مؤثرترین نهادهای مشورتی در زمینه توسعه حقوق بین‌الملل به شمار می‌آیند. به‌ویژه در طول سه دهه گذشته این شخصیت‌های غیرانتفاعی که اعضای آن شهروند یا اجتماعی از شهروندان یک یا چند کشور هستند که نوع فعالیتشان برحسب خواست جمعی اعضای آن در پاسخ به احتیاجات اعضای جامعه یا جوامعی که سازمان مذکور با آن همکاری می‌کند تعیین می‌شود، در جهت ارتقای حقوق بین‌الملل و تضمین حقوق بشر مطرح و در راستای اسناد بین‌المللی، گام‌های بلندی برداشته‌اند. مقاله پیش رو مبتنی تبیین نقش مشورتی سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در توسعه حقوق بین‌الملل و موفقیت یا عدم موفقیت آنان در ارتقای حقوق بین‌الملل است. روش تحقیق مبتنی بر اسناد مکتوب بوده، از این‌رو گردآوری اطلاعات مبتنی بر

۱. Non-Governmental Organizations (NGO)

روش کتابخانه‌ای است و تجزیه و تحلیل داده‌ها توصیفی، تحلیلی، استدلالی، استنتاجی است.

۱. تعریف سازمان‌های بین‌المللی

تعاریف گوناگونی از سازمان‌های بین‌المللی ارائه شده است. یکی از بهترین تعاریف‌های ارائه‌شده عبارت است از: «طریقه برگزاری و استقرار روابط دیپلماتیک توسط نهادهای نسبتاً دائمی که صلاحیت‌ها و مسئولیت‌های خود را از دولت‌های عضو دریافت می‌نمایند و کشورهای عضو، اهدافی را به این‌گونه تشکیلات پیشنهاد می‌کنند». (غفوری، ۱۳۸۳: ۲۴).

در این تعریف دو نکته اساسی مشاهده می‌شود: یکی «پیشنهاد هدف و خط‌مشی»^۱ و دیگری «دادن اختیارات و مسئولیت‌ها» که همگی از جانب کشورهای عضو انجام می‌گیرد؛ این امر نشان می‌دهد که این نوع سازمان‌ها، وابسته به دولت‌ها هستند. بدیهی است که هر یک از هدف‌ها و راهکارهای پیشنهادشده توسط دولت‌های عضو، ابتدا در جهت منافع ملی خود آن‌هاست، سپس منافع ملی دول دوست و آنگاه منافع بشریت. بنابراین، باید پذیرفت که سازمان‌های بین‌المللی غالباً نهادهایی هستند که نه فقط از دولت‌ها، بلکه به وسیله آنها و برای آنها به وجود آمده‌اند و به وسیله نیروهای خارجی به حکومت‌ها تحمیل نشده‌اند و طبیعتاً نباید فعالیت این کارگزاری‌ها در جهت کاهش اهمیت دولت‌ها و درنهایت فروپاشی نظام چنددولتی با هدف جایگزینی آنها باشد. برعکس، آنها در پاسخ به نیازها و استفاده از فرصت‌ها برای مقاصد دولت‌ها به وجود آمده‌اند.

به تعبیری می‌توان گفت که سازمان‌های جهانی کوشش دولت‌ها به منظور نوسازی، اصلاح و تجهیز نظام چنددولتی و انطباق این نظام با شرایط و دشواری‌های فزاینده قرن حاضر است، ولیکن همان‌طور که بیان شد، هر دولتی اساساً در پی منافع حیاتی خویش بوده و به‌ندرت نگران بهبود نظام جهانی دولت‌هاست.

سازمان‌های بین‌المللی، برای پاسخ‌گویی به معضلات اجتماعی انسانی، در خارج از قلمرو فعالیت دولت‌ها نیز به وجود آمده‌اند. بنابراین هم می‌توانند به اجتماع گروهی از دولت‌ها اطلاق شوند که کشورهای مستقل بر مبنای یک مجموعه مقررات قراردادی برای انجام مقاصد و تحقق اهداف خاص، پیرامون مسائل اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، علمی، نظامی و غیره با یکدیگر به همکاری می‌پردازند، درعین حال بر اساس مشارکت بدون بر خورداری از

^۱ Policy



خصوصیت سیاسی و مداخله مستقیم دولت‌ها، کلیه گروه‌های فعال بشری را دربر می‌گیرند، لذا در این مفهوم شخصیت حقوقی مستقل از دولت‌ها دارند. به‌طوری‌که افراد، گروه‌های اجتماعی یا حتی مؤسسه‌های خصوصی کشورهای مختلف نیز می‌توانند برای انجام یک سری مقاصد مشترک، تأسیسات بین‌المللی ایجاد کنند. به همین سبب، مفهوم سازمان‌های بین‌المللی از لحاظ حقوقی جامع و مانع نیست و شمول عام دارد؛ زیرا هم به تجمعی از کشورها گفته می‌شود که بر پایه یک سند تا سیس (معاهده، میثاق، منشور، عهدنامه یا اساسنامه) به وجود می‌آید و هم شامل سازمان‌هایی می‌گردد که افراد خصوصی، اعم از شخصیت‌های حقوقی یا حقیقی در آن فعالیت دارند (ابی صعب، ۱۳۷۳: ۷-۵).

۲. تعریف سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

سازمان‌های غیردولتی عموماً به‌عنوان سازمان‌هایی که به وسیله دولت‌ها یا توافقات میان آنها به وجود نیامده‌اند، شناخته می‌شوند. طبق نظر هارولد جاکوبس^۱ یکی از منابع موثق در بحث سازمان‌های بین‌المللی، این سازمان‌ها هم مانند سازمان‌های بین‌الدولی^۲ دارای جلسات زمان‌بندی‌شده بین اعضاء، نمایندگان، تصمیم‌گیران مشخص و یک هیئت‌مدیره دائمی هستند (Jacobson, 1984: 4-10)

عبارت «سازمان‌های غیردولتی» مفهومی است که به‌طور رسمی برای نخستین بار در سال ۱۹۴۵ در منشور ملل متحد مورد استفاده قرار گرفت. با این وجود، منشور تعریفی از این عبارت ارائه نداده است؛ بنابراین اولین گام در ارائه تعریف از این قبیل سازمان‌ها، تبیین عنوان یعنی «سازمان غیردولتی بین‌المللی» است. استفاده از واژه «سازمان» برای این نهادها، بیانگر نوعی تداوم در ساختار این ارکان است و آنها را از سایر تجمعات مانند تظاهرات، شورش‌ها و جنبش‌ها که جنبه موقتی دارند متمایز می‌سازد. بر همین اساس سازمان‌های غیردولتی باید دارای حداقل ساختار دائمی سازمانی، دفاتر و درآمد باشند. لازمه تداوم فعالیت‌های این سازمان‌ها درآمد مالی بوده و هدف از آن کسب سود و منفعت نیست. ویژگی دیگر این سازمان‌ها «غیردولتی بودن» آنان است. این امر از یک‌سو به این معناست که نمایندگان دولت

^۱. Harold Jacobson

^۲. Intergovernmental Organizations (IGO)

در این سازمان‌ها حضور ندارند و از مردم یا گروه‌های ملی که نماینده و مقام رسمی دولتی نباشند تشکیل می‌شوند و از سوی دیگر به استقلال این سازمان‌ها از دولت به‌ویژه از نظر مالی دلالت دارد. واژه غیردولتی علاوه بر معانی مذکور به این امر نیز اشاره می‌کند که سازمان‌های غیردولتی به دنبال کسب اقتدارات حکومتی و قدرت سیاسی نیستند. بدین ترتیب احزاب و تشکل‌های سیاسی نیز از شمول این سازمان‌ها خارج می‌شوند (مومنی راد و مفخم ناصراسلامی، ۱۳۹۸: ۱۴۷-۱۴۸). به‌علاوه اعضای آنها معمولاً افراد و مؤسسات خصوصی هستند و تقریباً همگی ارتباطات زیادی با سازمان‌های دیگر برقرار می‌کنند. تنوع گسترده‌ای از کارکرد NGOها در درگیری‌های دائمی، حل منازعات و همچنین در حوزه‌های کمک‌های بشردوستانه، توسعه، حقوق بشر، استقرار صلح و حوزه‌های دیگر شاهد هستیم.

از دیگر خصوصیات این نهادها، بین‌المللی بودن آنها و بین‌المللی بودن آنها و عدم محدودیت فعالیت‌هایشان در قلمرو یک کشور خاص است. از همین رو قطعنامه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۸ شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل^۱ بیان کرده‌اند که: «این سازمان‌ها باید در صورت امکان در تعداد قابل‌توجهی از کشورهای واقع در مناطق مختلف جغرافیایی فعالیت داشته باشند». (Martens, 2002: 7-9)

باوجوداینکه سازمان‌های غیردولتی (NGO) بعضاً به‌جای «سازمان‌های مردمی»، «جنبش‌های اجتماعی»، «گروه‌های بزرگ» و «جامعه مدنی» استفاده می‌شود اما در حقیقت NGOها با هیچ‌کدام از آنها یکی نیستند. «سازمان‌های مردمی» عموماً گروه‌های منطقه‌ای و سازمان‌یافته از افراد هستند که برای تقویت قدرت عمل اعضای آنها در مسائل خاص به وجود آمده‌اند. البته برخی از NGOها سازمان‌های مردمی هم هستند اما مفهوم NGO گسترده‌تر است. مفهوم «جنبش‌های اجتماعی» وسیع‌تر و گسترده‌تر از سازمان‌هاست. جنبش اجتماعی عرصه وسیع جامعه را شامل می‌شود که در پی برانگیختن و به وجود آوردن تغییرات اجتماعی در حوزه‌هایی مثل خلع سلاح، محیط‌زیست، حقوق مدنی و جنبش زنان است (Powers & Voge, 1997).

«گروه‌های بزرگ» مفهوم جدیدی است که در جریان نشست سازمان ملل در ریو در

^۱ ECOSOC



سال ۱۹۹۲ به منظور ایجاد یکپارچگی میان گروه‌های اجتماعی و دولت ملتها و سازمان‌های بین‌الدولی در مورد مسائل مربوط به محیط‌زیست و توسعه در دستور کار قرار گرفت. NGOها به عنوان یک شخص جدا از این اشخاص شناخته می‌شوند اما در عین حال اشتراکات بسیاری با آنها دارند (United Nations, 1993: 145-219).

نهایتاً «جامعه مدنی» واژه ایست که در پایان جنگ سرد و برای توصیف آنچه که در یک دولت مستبد فراموش شده به نظر می‌رسد، یعنی: مشارکت جمعی گسترده و دخالت در اداره جامعه که از ضروریات حکومت‌های دموکراتیک هستند کاربرد همگانی یافت.

در حالی که این بحث مطرح است که NGOها صدای مردم هستند با این وجود یک استدلال عکس آن را بیان می‌کند بر اساس این استدلال NGOها به وسیله عضویت و تمرکز رهبری که بیشتر در کشورهای ثروتمند و شمال قرار دارند به پشتیبانی از این دولت‌ها اقدام می‌کنند (Boulding, 1977: 165-218). برخی دیگر هم معتقدند که تصمیم‌گیری در NGOها مسائلی مانند تعهد، انتخاب مردمی و مسئولیت را برآورده نمی‌کند. خود NGOها ممکن است محلی، ملی، یا بین‌المللی باشند. برخی اوقات NGOهای بین‌المللی با عنوان INGO شناخته می‌شوند. اکثر NGOهای به رسمیت شناخته شده از سوی شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل، بین‌المللی دانسته می‌شوند اما برخلاف باور عامه اولین گروه از NGOها شناخته شده از طرف ECOSOC در دهه ۱۹۴۰ شامل چندین NGOی ملی نیز بوده است. همه NGOها یکدست نیستند. لیست طولانی از اسامی اختصاری که جمع‌آوری شده است تأییدی بر این ادعاست. به عنوان مثال: ^۱INGO (جهانی)، ^۲BINGO (تجاری)، ^۳RINGO (مذهبی)، ^۴ENGO (محیط‌زیست)، ^۵GONGO (دولت‌ساخته که دولت‌ها برای جایگزینی سازمان‌های غیردولتی در جهت کسب مساعدت خارجی به وجود آورده‌اند). ^۶QUANGO (نیمه‌دولتی سازمان‌هایی که تاندازه‌ای از سوی دولت‌ها حمایت می‌شوند) و

- ^۱. International NGO
- ^۲. Business International NGO
- ^۳. Religious International NGO
- ^۴. Environmental NGO
- ^۵. Government- Operated NGO
- ^۶. Quasi- nongovernmental NGO

بسیاری از سازمان‌های مختلف دیگر.

باینکه برخی گروه‌های دیگر از سازمان‌ها هم غیردولتی هستند اما مشمول مفهوم NGO نمی‌شوند. این واژه به‌روشنی شرکت‌های منفعت‌گرا، معاهدات خصوصی و شرکت‌های چندملیتی^۱ را استثنا می‌کند (هرچند گاه همکاری‌های ایجادشده توسط MNCها مانند اتاق بازرگانی جزء سازمان‌های غیردولتی محسوب می‌شوند)، همچنین جنبش‌های آزادی‌خواه، احزاب سیاسی جزء سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی به شمار نمی‌روند. متأسفانه اخیراً برخی خارج از چارچوب سازمان‌های بین‌المللی بخصوص نویسندگان نظامی جنبش‌های تروریستی را به NGOها منتسب کرده‌اند، شاید این اقدامات در راستای بی‌اعتبار کردن NGOها باشد. پتر ویلتس^۲ یکی از صاحب‌نظران NGOها را این‌گونه تعریف می‌کند: «تعهد در جهت خشونت‌زدایی محترم‌ترین اصل تعریف‌کننده یک سازمان بین‌المللی است.» (Willets, 2002).

۳. پیشینه شکل‌گیری سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

برای سازمان‌های غیردولتی نمی‌توان تاریخچه معینی برای شروع شکل‌گیری بیان کرد. با توجه به این تعریف که سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌هایی هستند که تحت نظارت دولت قرار ندارند. می‌توان غالب تشکل‌های خیریه، امدادسانی، تجاری، بازرگانی، فنی، علمی و غیره را در این مجموعه جای داد. لذا مشخص می‌شود از همان هنگام که انسان‌ها اهمیت و منفعت کار دسته‌جمعی با هدفی معین و با سوددهی متناسب با اعضا را درک نمودند، این امر منجر به تشکیل هسته اولین سازمان‌های غیردولتی گردید و اگرچه انجمن‌های داوطلبانه شهروندان در سراسر تاریخ وجود داشته‌اند، سازمان‌های غیردولتی اغلب به همان منوال که امروزه، به‌ویژه در سطح بین‌الملل دیده می‌شوند، در دو قرن اخیر توسعه یافته‌اند. یکی از اولین سازمان‌های این‌چنینی، صلیب سرخ است که در سال ۱۸۶۳ تأسیس شد (گلستانی، ۱۳۹۰: ۴۱ - ۴۳).

عبارت «سازمان‌های غیردولتی» با تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ که مفاد آن در ماده ۷۱ از فصل ۱۰ منشور سازمان ملل متحد آمده است، به وجود آمد. بنابراین برای اولین بار سازمان ملل ساختار، اهداف، و وظایف سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی را بازگو

^۱ MNCS

^۲ Peter Willets



می‌کند. به دنبال آن فرآیند جهانی‌سازی در قرن بیستم موجب اهمیت یافتن سازمان‌های مردم‌نهاد شد. امکان حل خیلی از مشکلات داخل یک کشور وجود نداشت. معاهدات بین‌المللی و سازمان‌های بین‌المللی از قبیل سازمان تجارت جهانی بیش‌ازحد بر منافع مؤسسات مالی بزرگ متمرکز بودند (مومنی راد و مفخم ناصراسلامی، ۱۳۹۸: ۱۴۸-۱۴۹). در اقدامی برای متعادل کردن این روند، سازمان‌های غیردولتی با تأکید بر مسائل بشردوستانه، کمک به توسعه و توسعه پایدار تأسیس شدند که نمونه بارز آن اجلاس اجتماعی جهان است که هر ساله در ماه ژانویه در داووس برگزار می‌شود و رقیب اجلاس اقتصادی جهان محسوب می‌شود. پنجمین اجلاس اجتماعی جهان در پورتو آلگر برزیل برگزار شد و نمایندگان بیش از ۱۰۰۰ سازمان غیردولتی در آن شرکت کردند (نصیری، ۱۳۹۶: ۲۱).

۴. انواع مختلف سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی

این سازمان‌ها که جزو تابعین حقوق بین‌الملل عمومی به شمار نمی‌آیند به‌نوبه خود به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف- سازمان‌های غیردولتی انتفاعی؛ ب- سازمان‌های غیردولتی غیرانتفاعی.

۴-۱. سازمان‌های غیردولتی انتفاعی

شرکت‌های چندملیتی را می‌توان از مصادیق بارز سازمان‌های غیردولتی انتفاعی به شمار آورد. این شرکت‌ها نقش بسیار پراهمیتی در زمینه تجارت بین‌المللی و حتی در سیاست بین‌المللی با تأثیرگذاری و نفوذ در دولت‌ها ایفا می‌کنند.

۴-۲. سازمان‌های غیردولتی غیرانتفاعی

تعاریف مختلفی از این سازمان‌ها ارائه شده است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یک سازمان غیردولتی، شخصیتی غیرانتفاعی است که اعضای آن، شهروند یا مجموعه‌ای از شهروندان یک یا چند کشور است که نوع فعالیت آن به‌منظور پاسخ‌گویی به احتیاجات افراد جامعه و یا جوامعی که سازمان مذکور با آن همکاری می‌نماید، تعیین می‌شود. و اما اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد تعریف زیر را ارائه می‌دهد: به هر سازمان غیردولتی و داوطلبانه‌ای اطلاق می‌شود که در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی فعالیت دارد و افرادی با علایق مشترک آن را اداره می‌کنند.

خدمات انسان دوستانه، توجه دادن مردم به اعمال دولت، نظارت بر سیاست‌های اتخاذشده از سوی دولت و تشویق به مشارکت سیاسی در امور خارجه، در شمار فعالیت‌های این سازمان قرار می‌گیرد. این‌گونه سازمان‌ها، با تحلیل و کارشناسی امور، نقش مشابه سازوکارهایی هشداردهنده را بازی می‌کنند. در خصوص جایگاه و اهمیت سازمان‌های غیردولتی کافی است یادآوری گردد که در سال ۱۹۴۸ سازمان غیردولتی مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد کسب کرده بودند و در حال حاضر ۲۷۱۹ سازمان دارای مقام مشورتی نزد شورای اقتصادی و اجتماعی (اکوسوک) بوده و حدود ۴۰۰ سازمان غیردولتی نیز دارای مقام مشورتی نزد «کمیسیون توسعه پایدار» می‌باشند.

۵. سازمان‌های غیردولتی مشورتی

۵-۱. انواع سازمان‌های مشورتی غیردولتی

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد به هنگام بررسی موضوع برقراری روابط مشورتی با یک سازمان غیردولتی با توجه به اهمیت و حوزه فعالیت‌ها و کمک‌هایی که سازمان مذکور می‌تواند به شورا یا ارگان‌های تابعه ارائه کند، طبق قطعنامه ۱۹۹۶ این سازمان‌ها را به سه دسته طبقه‌بندی می‌کند:

- ۱- سازمان‌های دارای مقام مشورتی عام (گروه ۱ سابق)
- ۲- سازمان‌های دارای مقام مشورتی خاص (گروه ۲ سابق)
- ۳- گروه راستر ۱.

۵-۱-۱. سازمان‌های دارای مقام مشورتی عام (گروه ۱ سابق)

سازمان‌هایی که عمدتاً فعالیت‌های آنها با فعالیت شورای اقتصادی و اجتماعی هماهنگی دارد و نشان داده‌اند که می‌توانند کمک‌هایی در جهت حصول اهداف سازمان ملل انجام دهند و نیز در حیات اقتصادی و اجتماعی ملت‌های مناطقی که حکم نمایندگی آنها را به عهده دارند سهم هستند، طبق ماده ۲۲ قطعنامه ۱۹۹۶ در این گروه جای می‌گیرند. اکثر سازمان‌ها و مؤسسات نظیر اتحادیه‌های کارگری، تجاری، مدیریت، مصرف‌کنندگان، کشاورزان و امثال آن در این گروه جای دارند. از جمله سازمان‌هایی که در این گروه قرار گرفته‌اند می‌توان سازمان‌های اتحادیه بین‌المللی زنان - تساوی حقوق، تساوی مسئولیت‌ها، کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های آزاد کارگری، اتحادیه جهانی



مسلمانان، اتحادیه بین‌المجالس و فدراسیون بین‌المللی انجمن‌های هلال‌احمر و صلیب سرخ را نام برد (مومنی راد و مفخم ناصراسلامی، ۱۳۹۸: ۱۵۱-۱۵۲).

۵-۱-۲. سازمان‌های دارای مقام مشورتی خاص (گروه ۲ سابق)

طبق ماده ۲۳ قطعنامه ۱۹۹۶، این گروه شامل سازمان‌ها و مؤسساتی می‌شود که دارای مسئولیت‌ها و صلاحیت‌های محدود می‌باشند و فقط می‌توانند در محدوده موضوعاتی که مرتبط با وظایف شورای اقتصادی و اجتماعی است فعالیت مشورتی و اظهارنظر کنند. سازمان‌های غیردولتی شامل این گروه می‌توانند در جلسات علنی شورا شرکت کرده و اظهارات کتبی و شفاهی خود را درباره موضوعات مرتبط و مشمول در صلاحیتشان به شورا تقدیم کنند، و سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی حقوق بشر به لحاظ مقام مشورتی، موقعیت ویژه‌ای نزد سازمان ملل دارند (همان: ۱۵۲).

در این میان برخی از سازمان‌های غیردولتی ایرانی نیز مقام مشورتی خاص نزد سازمان ملل متحد کسب کرده‌اند مانند: «شبکه ارتباطی سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران» و «سازمان دفاع از قربانیان خشونت». از جمله سازمان‌هایی که در این گروه جای می‌گیرند می‌توان به سازمان‌های عفو بین‌الملل، سازمان دیده‌بان حقوق بشر، کمیسیون بین‌المللی حقوقدانان، شورای بین‌المللی حقوق محیط‌زیست و فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر اشاره کرد.

۵-۱-۳. گروه راستر

سازمان‌هایی که دارای مقام مشورتی با شورای اقتصادی و اجتماعی نیستند ولی شورا یا دبیر کل سازمان ملل با مشورت با کمیته سازمان‌های غیردولتی شورا تشخیص می‌دهند که سازمان‌های مذکور می‌توانند در برخی موارد کمک‌های سودمندی به بحث‌های ارگان‌های ذی‌ربط سازمان ملل بکنند در فهرست «گروه راستر» قرار می‌گیرند. سازمان‌هایی که نزد آژانس‌های تخصصی سازمان ملل دارای مقام مشورتی هستند نیز در این گروه قرار می‌گیرند. این سازمان‌ها بنا به خواسته شورا یا ارگان‌های تابعه نظرات مشورتی خود را ارائه می‌دهند. تعداد زیادی از سازمان‌های غیردولتی در این گروه قرار دارند که از آن جمله می‌توان سازمان آموزش بین‌المللی سوسیالیستی، انجمن بین‌المللی معلمان، اتحادیه بین‌المللی مبارزه با سرطان و ... را نام برد (موسی زاده، ۱۳۹۱: ۷۲-۶۴).

۵-۲. زمینه‌های نقش مشورتی سازمان‌های غیردولتی

سازمان‌های غیردولتی می‌توانند فعالیت‌های خود را در چارچوب‌های داخلی تنظیم کنند یا به دنبال نفوذ در آئین‌ها و روش‌های تصمیم‌گیری بین‌المللی باشند.

۱-۲-۵. مشورت در زمینه داخلی

سازمان‌های غیردولتی راجع به تخلفات از حقوق بشر در کشوری سخن می‌گویند و مشورت می‌دهند که مقرشان در آنجاست و بسیاری از اعضایشان اتباع آن کشور محسوب می‌شوند. از طرفی نقش مهم مشورتی در خصوص تعلیم و تربیت شهروندان در قلمرو حقوق بشر دارند. این سازمان‌ها در واقع مؤسسات و نهادهای رسمی و عمومی را وادار به فعالیت در قلمرو حقوق بشر می‌کنند.

۲-۲-۵. مشورت در زمینه بین‌المللی

نقطه اوج این فعالیت‌ها در دهه ۱۹۹۰ میلادی و در پرتو فضای بین‌المللی مساعد پس از جنگ سرد حاصل شد. در این دوره بود که شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد در قالب قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ محدوده مقام مشورتی ماده ۷۱ منشور ملل متحد راجع به سازمان‌های غیردولتی را تبیین و توسعه داد و در سطح شورای اروپا نیز مقام مشورتی سازمان‌های غیردولتی به مقام مشارکتی تبدیل شد. با وجود این، به دلیل برخی نقایص در ساختار و عملکرد و مهم‌تر از همه، مواضع دولت‌ها در تمسک به حفظ حاکمیت خود، شناسایی این سازمان‌ها به‌عنوان یک شخصیت حقوقی بین‌المللی در حد تابعان حقوق بین‌الملل، همچنان با مشکل روبرو است. ضمن اذعان به مزایا و نقاط قوت این سازمان‌ها، موانع برخورداری از شخصیت حقوقی بین‌المللی که ریشه در نقاط ضعف ساختاری و عملکردی این سازمان‌ها دارد مسائل مهم و قابل‌اعتنایی است.

ماده ۷۱ منشور ملل متحد مقرر می‌دارد که شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل می‌تواند «برای مشاوره با سازمان‌های غیردولتی که به امور داخل در صلاحیت شورا اشتغال دارند، هرگونه تدابیر مناسبی را اتخاذ نماید.» پذیرش مقام مشورتی^۱ سازمان‌های غیردولتی در شمول قطعنامه ۱۹۹۶/۳۱ اکوسوک قرار می‌گیرد که ماده ۷۱ منشور را به‌صورت دقیق مورد بررسی قرار داده و تشریح می‌کند.

^۱ Consultative Status



شورای اروپا نیز قواعد و مقرراتی برای اعطای مقام مشورتی به سازمان‌های غیردولتی، صادر کرده است. در عین حال سازمان‌های غیردولتی در کار کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و مردم نیز دخالت دارند. یکی از موفقیت‌های بزرگ سازمان‌های غیردولتی، حضور آنها در کنفرانس جهانی بود که در آن اساسنامه رم در مورد دیوان بین‌المللی کیفری تهیه شد. سازمان‌های غیردولتی از حق دادخواهی به‌مثابه دوست و داوطلب کمک به دادگاه^۱، هم نزد دادگاه اروپایی حقوق بشر (دادگاه اروپایی حقوق بشر، ماده ۳۶) و هم نزد دیوان آمریکایی حقوق بشر برخوردار شده‌اند (تاموشات، ۱۳۸۶: ۴۱۷-۴۱۴).

فعالیت سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی که اساساً برای ایفای نقش در عرصه بین‌الملل و پاسخگویی به مسائل متناهی جامعه جهانی شکل گرفته‌اند، در زمینه مسائل و رویدادهای کلان عرصه بین‌الملل است. اگرچه در گذشته دولت‌ها تنها عنصر تنظیم‌کننده قواعد و مفاهیم حقوق بین‌الملل بوده‌اند اما هم‌اکنون نهادهایی همچون سازمان‌های بین‌المللی میان‌دولتی و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی نیز به ایفای نقش آن‌هم به صورتی کارآمد و مؤثر می‌پردازند (قاسمی، ۱۳۹۲: ۷-۴). به بیانی دیگر امروزه در جامعه بزرگ جهانی، سازمان‌های بین‌المللی نه تنها در حوزه‌های فنی، تجاری و صنعتی، مدیریت جامعه بین‌المللی را عهده‌دار شده‌اند بلکه در امور حاکمیتی مثل حفظ صلح، خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز قد علم کرده‌اند. بر این اساس سازمان‌های بین‌المللی که ماهیتاً نهادهایی فاقد حاکمیت قلمداد می‌شوند از رهگذر توافق دولت‌ها به اعمال اختیارات حاکمیتی مختلف مبادرت می‌ورزند. در این وادی یک سازمان بین‌المللی، اجتماعی از دولت‌ها می‌باشد. محل استیلای قدرت سازمان‌های بین‌المللی متغیر است ولی هر آنچه که به صورت امور داخلی یک کشور درنیاید را می‌توان تحت نفوذ این سازمان‌ها در جامعه بین‌المللی دانست (بیگ زاده، ۱۳۹۰: ۱۴).

این سازمان‌ها در تلاش هستند تا از طریق تأثیرگذاری بر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، به اهداف مدنظر در سطح جهانی، جامعه عمل ببوشانند. سازمان‌های مذکور، در ارتباط با «سازمان ملل متحد» عمدتاً از جایگاه «مقام مشورتی عام» برخوردار هستند و توانمندی آنها در سطحی است که می‌توانند در زمینه اهداف مدنظر سازمان ملل متحد در

۱. Amicus curiae

سطح جهانی اثرگذار باشند. اعضا و دفاتر نمایندگی این سازمان‌ها در سطح جهانی پراکنده است و حوزه اثرگذاری آنها نیز در کشورهای مختلف دنیا قابل مشاهده می‌باشد. آن دسته از سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی که از شرایط مذکور برخوردار هستند، تحت عنوان «سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بزرگ»^۱ نیز شناسایی می‌شوند.

نوع دیگری از سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی، شامل سازمان‌هایی است که در کشورهای مختلف دنیا شکل گرفته‌اند و بخشی از فعالیت آنها در عرصه بین‌الملل متمرکز است. اخذ مقام مشورتی از سازمان ملل متحد، تعامل با سازمان‌های بین‌المللی و همچنین عضویت در سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی بزرگ را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین اقدام این سازمان‌ها در عرصه بین‌الملل در نظر گرفت. فعالیت و حوزه اثرگذاری این سازمان‌ها عمدتاً در کشور مبدأ و همچنین حضور اجلاس سازمان‌های بین‌المللی است (گلشن پژوه، ۱۳۹۲: ۱۲-۱۳).

می‌توان گفت که امروز سازمان بین‌المللی غیردولتی به‌طور ضمنی از بازیگران اصلی حقوق بین‌الملل بوده و دلیل این امر، حرکت این سازمان‌ها به‌سوی اهداف حقوق بین‌الملل است، که همان صلح جهانی و ساختن دنیایی بهتر است.

خدمات انسان دوستانه، توجه دادن مردم به اعمال دولت، نظارت بر سیاست‌های اتخاذشده از سوی دولت و تشویق به مشارکت سیاسی در امور خارجه، در شمار فعالیت‌های این سازمان قرار می‌گیرد. این‌گونه سازمان‌ها، با تحلیل و کارشناسی امور، نقش مشابه سازوکارهایی هشداردهنده را بازی می‌کنند. در خصوص جایگاه و اهمیت سازمان‌های غیردولتی کافی است یادآوری گردد که در سال ۱۹۴۸ سازمان غیردولتی مقام مشورتی نزد سازمان ملل متحد کسب کرده بودند و در حال حاضر ۲۷۱۹ سازمان دارای مقام مشورتی نزد شورای اقتصادی و اجتماعی (اکوسوک) بوده و حدود ۴۰۰ سازمان غیردولتی نیز دارای مقام مشورتی نزد «کمیسیون توسعه پایدار» می‌باشند.

به‌طورکلی سازمان‌های غیردولتی به‌واسطه ارزش محور بودن، ظرفیت کارشناسی و امکان بسیج افکار عمومی و توان نظارتی می‌توانند جبران‌کننده بی‌انگیزگی و عدم وجود ظرفیت کافی دولت‌ها در زمینه‌های گوناگون باشند و در نتیجه نقش‌دهی به آنها در زمینه

^۱ BINGOs



توسعه و اجرای حقوق بین الملل می تواند مثمر ثمر باشد.

۳-۵. آثار فعالیت های مشورتی سازمان های غیردولتی در راستای توسعه حقوق بین الملل

۳-۵-۱. جبران نقاط ضعف دولت های در تصمیم گیری و نظارت

همان طور که اشاره شد سرآغاز و علت تشکیل این سازمان ها در جامعه بین الملل جبران نقاط ضعفی بود که دولت ها و سازمان های بین دولتی به دلیل مسائل گوناگون از جمله عرف های پیچیده دیپلماتیک و رقابت های سیاسی موفق به انجام آنها نشده بودند و سازمان های غیردولتی به دلیل نقاط مثبتی که نسبت به سازمان های دولتی دارند و به گوشه ای از آنها اشاره و در ادامه به موارد دیگری نیز اشاره می شود، تشکیل شده و روزه روز نیز گسترش یافتند. اما برخلاف دیدگاه مثبت نظر عده ای نیز این است که این سازمان ها ابزار سلطه و استعمار کشورهای در حال توسعه هستند که اشاره کوتاه نیز به دیدگاه اخیر می شود. اما دیدگاه مثبت در ارتباط با نقش آنها در جامعه مدنی، تحقق دموکراسی و مشارکت افراد، توسعه پایدار انسانی، ایفای نقش کمکی دولت ها در تصمیم گیری ها و پر کردن فاصله بین مردم و دولت ها است این سازمان ها با ایفای نقش واسطه بین نهادهای اجتماعی و دولت ها در تصمیم گیری های بین المللی تأثیر می گذارند. بر اساس این دیدگاه، حفظ صلح و امنیت بین الملل، حفظ محیط زیست، تحقق شعارهای حقوق بشری، مبارزه با فقر و بیکاری و حمایت از حقوق اقشاری مانند زنان و کودکان که از اهداف سازمان ملل می باشد بدون مشارکت سازمان های غیردولتی قابل دستیابی نیست که در این ارتباط به برخی از مزیت های این سازمان ها در برنامه توسعه ملل متحد اشاره شده است. وابسته بودن به دولت ها از نظر منابع مالی و نیروی انسانی، سرعت عمل و قدرت تصمیم گیری بالا، بوروکراسی محدود و سازوکار انعطاف پذیر سبب افزایش کارایی این نهادها در جامعه بین الملل شده است. به همین دلایل است که حضور این سازمان ها چه به طور رسمی چه غیررسمی در کنار هر کنفرانس بین المللی به سستی پایدار و رایج تبدیل شده است که به همین علت نظرات مشورتی آنها در تصمیم گیری ها لحاظ شده و مؤثر واقع می شود. به عنوان مثال موضوع نابودی کلی سلاح های اتمی توسط سازمان های غیردولتی مطرح شد، ارائه زمینه های لازم جهت ایجاد دادگاه کیفری بین المللی، طرح استانداردهای لازم برای جلوگیری از گرم شدن کره زمین و مواردی از این دست نیز قابل ذکر است. با توجه به مطالب فوق می توان از کنفرانس رم که در سال ۱۹۹۸ به منظور تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نام برد که با حضور ۲۳۶ سازمان غیردولتی به عنوان ناظر تشکیل شد یا توافق ۱۲۲ کشور در ۱۹۹۷ برای ممنوعیت خرید و فروش مین های زمینی

را ذکر کرد که مرهون تلاش‌های حدود هزار سازمان در ۶۰ کشور بود.

۵-۳-۲. توسعه حقوق بشر

از مهم‌ترین فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی، اطلاع‌رسانی، آموزش و جامعه‌پذیری، اعمال فشار بر دولت‌ها در جهت تحقق آرمان‌های حقوق بشر، مهار بحران‌های اجتماعی و جهت‌دهی به مطالبات و کمک به رفع موارد نقض حقوق بشر، اقدامات حمایتی و وکالتی و غیره است. یکی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین سازمان‌های غیردولتی فعال که از نظام حمایتی سازمان ملل متحد در زمینه حقوق بشر بسیار بهره گرفته، سازمان دیده‌بان حقوق بشر است که هدف خود را دفاع از حقوق بشر آن‌چنان‌که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین‌المللی آمده است، می‌داند (مومنی راد و مفخم ناصراسلامی، ۱۳۹۸: ۱۴۵).

این سازمان در سال ۱۹۷۸ توسط گروهی از فعالان حقوق بشر از جمله «رابرت برنشتین» و «آریه نیر» به‌منظور نظارت بر تبعیت کشورهای بلوک شوروی سابق از مفاد حقوق بشر پیمان مشهور هلسینکی تحت عنوان «ناظر هلسینکی» در پاسخ به درخواست حمایت اعلام‌شده گروه‌هایی در مسکو، ورشو و پراگ تأسیس شد. سازمان از ابتدای تأسیس از کشورهای مختلف و به‌صورت افتخاری و داوطلبانه و از هر گروه سنی عضو می‌پذیرد. البته طبق مقررات اساسنامه هیچ عضو این سازمان نباید در مورد کشور خود فعالیت کند تا هم بی‌طرفی سازمان حفظ شود و هم امنیت اعضا بهتر تأمین گردد. به‌طور مشخص در زمینه محاکمه عادلانه زندانیان سیاسی، لغو مجازات اعدام و شکنجه، گروگان‌گیری، هرگونه اقدام عملی غیرقانونی علیه زندانیان، پایان کشتارهای افراد بی‌گناه و نسل‌کشی، ناپدیدشدگی اجباری و هرگونه نقض حقوق بشر، تلاش‌های فراوانی از سوی این سازمان صورت پذیرفته است. شیوه فعالیت این سازمان عمدتاً بر مبنای جمع‌آوری و سپس توزیع اطلاعات متکی است. از مهم‌ترین شیوه‌های رسیدگی سازمان‌های غیردولتی از جمله سازمان دیده‌بان به موارد نقض حقوق بشر؛ جمع‌آوری و ارزیابی اطلاعات از طریق تحقیقات محلی، نظارت بر محاکمات، دیدار از زندانیان و مصاحبه با مقامات دولتی، نامه‌های خود زندانیان و خانواده‌های آنان، استفاده از گزارش‌های حقوقدانان و سازمان‌های حقوق بشر دوستانه و استفاده از گروه‌های کاری راجع به موضوعات مختلف حقوق بشر از جمله حقوق کودکان، حقوق زنان، شکنجه، مجازات اعدام و ... است (نصیری، ۱۳۹۶: ۱۸-۱۶).



در حقیقت تقویت، بهسازی و اجرای حقوق بشر از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که سازمان‌های غیردولتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش‌های عمده‌ای را در آن ایفا می‌کنند. در این عرصه، نهادهای عمومی و دولتی نیز در جهت ارتقای هرچه بیشتر حقوق بشر با سازمان‌های غیردولتی مشارکت می‌کنند.

در این فرآیند، رژیم حقوق بشر به‌صورت شبکه‌های عمدتاً فراملی است که در آن اقدامات بخش غیردولتی و دولتی به هم پیوند می‌خورند و حقوق بشر را به‌عنوان «سیاست عمومی جهانی» مطرح می‌سازد. شبکه سیاست‌گذاری عمومی جهانی برای حقوق بشر در این معنا عبارت از پیوستگی بین ارگان‌های دولتی، سازمان‌های بین‌المللی و جامعه مدنی است که برای دستیابی به اهدافی که به‌تنهایی قادر به تحقق آنها نیستند، اقدام می‌کنند (مومنی راد و مفخم ناصراسلامی، ۱۳۹۸: ۱۵۴).

به‌علاوه، سازمان‌های غیردولتی نقش‌های مکمل نظارتی و اجرایی برای سایر اجزا در این شبکه ایفا می‌کنند، به‌نحوی که بدون حضور آنان نظام حقوق بشر جهانی از مختصات یک سیستم کامل و بدون نقص برخوردار نیست. به نظر می‌رسد که با توجه به سیر تاریخی مشارکت سازمان‌های غیردولتی در عرصه حقوق بشر، مبانی این مشارکت، بیشتر ناشی از الزامات نظم نوین جهانی و ضرورت‌ها و اهمیت مسائل حقوق بشری است (شریف شاهی و جلالی، ۱۳۹۱: ۱۰).

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی حقوق بشری نهادهایی هستند که به ابتکار بخش خصوصی و خارج از توافق میان دولت‌ها تشکیل شده و در آنها، اشخاص خصوصی یا عمومی با تابعیت‌های گوناگون گرد هم می‌آیند. هدف چنین سازمان‌هایی بنا به اساسنامه‌شان حمایت از حقوق بشر و نظارت بر میزان پایبندی دولت‌ها به تعهدات حقوق بشری خود و آموزش حقوق بشر است. این نهادها در عرصه حقوق بشر در سه سطح، اقدامات نظارتی خود را پیگیری می‌کنند (مومنی راد و مفخم ناصراسلامی، ۱۳۹۸: ۱۵۴).

در مرحله اول این سازمان‌ها در سطح ملی به جمع‌آوری اطلاعات، شناسایی و کمک به قربانیان، حقیقت‌یابی و تهیه گزارش می‌پردازند. در مرحله دوم در سطح بین‌المللی با سازمان ملل متحد، کمیته‌های ناظر بر معاهدات حقوق بشری و مراجع قضایی بین‌المللی همکاری کرده و از یافته‌های خود در جریان فعالیت در سطح ملی برای تعقیب ناقضان حقوق بشر

استفاده می‌کنند. سومین و بالاترین سطح از اقدامات نظارتی که در چند دهه اخیر مورد توجه این سازمان‌ها قرار گرفته، مشارکت در جریان استانداردسازی برای حقوق بشر است که از طرفی نظیر مذاکره با دولت‌ها و تهیه طرح معاهدات صورت پذیرفته و در پی جبران خلأهای موجود در هنجارهای الزام‌آور حقوق بشری است (سعیدی و عسکری، ۱۳۹۵: ۲).

سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه حقوق بشر به تدریج به بازیگران مهم و تأثیرگذاری در عرصه حقوق و روابط بین‌الملل گردیده‌اند و نقش مهمی را به اشکال گوناگون در پیشبرد و تکامل هنجاری و عملی حقوق بشر ایفا می‌نمایند؛ تا حدی که سازمان ملل متحد بر ارتباط گسترده و نظام‌مند با سازمان‌های غیردولتی تأکید کرده است. هرچند از عمر سازمان‌های غیردولتی به شکل امروزی، زمان زیادی نمی‌گذرد، اما اثرگذاری و کارایی روزافزونشان در حوزه عمومی به‌وضوح قابل مشاهده است. در حقیقت با گسترش جهانی‌شدن، انحصار بازیگران در عرصه بین‌الملل از دست دولت‌ها خارج شده و بسیاری از سازمان‌های غیردولتی توانسته‌اند در شکل‌گیری و اجرای قواعد بین‌المللی نقش مهمی را ایفا نمایند. همچنین از مهم‌ترین نقش و توانایی سازمان‌های غیردولتی در جهت گسترش حقوق بشر، اطلاع‌رسانی، آموزش و جامعه‌پذیری، اعمال فشار بر دولت‌ها در جهت تحقق آرمان‌های حقوق بشر، مهار بحران‌های اجتماعی و جهت‌دهی به مطالبات و کمک به رفع موارد نقض حقوق بشر و کارکرد نظارتی و دفاع از حقوق شهروندان و غیره است. در این میان سازمان دیده‌بان حقوق بشر یکی از مهم‌ترین و فعال‌ترین سازمان‌های ذی‌نفوذ و تأثیرگذار در روند توسعه و تکامل موازین و نهادهای حقوق بشری به حساب می‌آید که با شبکه‌های اطلاعاتی قوی که در اختیار دارد از سراسر جهان آگاه می‌شود و اطلاعات و گزارش‌ها را از همه جای جهان جمع‌آوری می‌کند و در اختیار فعالان حقوق بشری در کشورهای مختلف می‌گذارد. گزارش‌ها و انتقادات سازمان به مدافعان حقوق بشر که در کشورهای مختلف فعالیت می‌کنند نیز یاری می‌رساند تا آنها از طریق این گزارش‌ها به حقیقت دست یابند و حتی به بررسی و پیگیری پرونده‌ها به‌طور خاص بپردازند (مومنی راد و مفخم ناصراسلامی، ۱۳۹۸: ۱۶۲).

سازمان دیده‌بان همانند دیگر سازمان‌های بین‌المللی متعاقب گسترش نهاد جامعه مدنی بین‌المللی، در حال تبدیل‌شدن به ابزاری نیرومند و کارآمد در جهت اعمال فشار بر کشورها و سوق دادن روند اتخاذ تصمیمات به سوی پیشرفت حقوق بشر است و به نظر می‌رسد در



آینده نیز به فعالیت‌ها و دستاوردهای مهمی نائل گردد. سازمان دیده‌بان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سازمان‌های تأثیرگذار در تصویب معاهدات بین‌المللی و تشکیل نهادهای حقوق بشری نقش ارزنده‌ای را ایفا نموده است. همچنین این سازمان به ارائه گزارش‌ها و موارد نقض حقوق بشر در جهان می‌پردازد تا افکار عمومی، دولت‌ها و حقوقدانان را متوجه نقض حقوق بشر سازد تا در جهت رفع آن تلاش نمایند. هرچند سازمان در مورد تمامی مسائل حقوق بشر فعالیت می‌کند، ولی در عمل حیطه فعالیت خود را بر روی آزادی کلیه زندانیان عقیدتی، اطمینان از اعمال دادرسی عادلانه بر علیه زندانیان سیاسی، نفی حکم اعدام، شکنجه و دیگر مجازات انسانی و بالاخره پایان دادن به اعدام‌های غیرقانونی و مفقودالثر شدن انسان‌ها قرار داده است. بر این اساس مهم‌ترین تأثیری که انتقادات و گزارش‌های سازمان می‌گذارد به یقین اثری است که در قبال خانواده‌های زندانیان و مدافعان حقوق بشر دارد. از این جهت که باعث اطلاع و آگاهی خانواده‌های زندانیان از واقعیات می‌شود که برای تأمین عدالت و احقاق حقوق زندانی خود دچار مشکلات بسیاری در کشورشان هستند و از این طریق می‌توانند با سازمان توسط سایت اینترنت، پست الکترونیک و یا نامه در ارتباط باشند و از کمک‌های سازمان استفاده کنند (همان: ۱۶۳).

به‌رغم اشاره به هر سه نسل حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر و تأکید مکرر اسناد و مجامع بین‌المللی بر جدایی‌ناپذیری این حقوق، تمرکز سازوکارهای چندجانبه حقوق بشری دولتی و غیردولتی همواره بر حقوق مدنی و سیاسی بوده است. البته فضای بین‌المللی نیز در بیان، توسعه و برجسته شدن این حقوق بسیار مؤثر بوده و سهم دولت‌های خاص یا سازمان‌های غیردولتی در ترویج برخی از این حقوق نیز برجسته است. از سوی دیگر، هزینه‌های اقتصادی تضمین حقوق نسل دوم و سوم و مسئولیت‌ها و تبعاتی که پذیرش این حقوق و به‌ویژه حقوق جمعی برای دولت‌های قدرتمند و ثروتمند ایجاد می‌کند، در کندی شکل‌گیری و بی‌توجهی نسبی به آن بی‌تأثیر نبوده است. اما روند مفهوم‌سازی حقوق بشری در سطح جهانی که با جامعه ملل شروع و با سازمان ملل متحد تداوم یافت، یک روند رو به رشد و غیرقابل توقف است، که طرح و شکل‌گیری نسل‌های مختلف حقوق بشری و نقش نهادهای چندجانبه در تدوین آنها خود بیانگر پویایی مفاهیم و سازوکارهای حقوق بشر است (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۹۱: ۶۹۵).

۵-۳-۳. تأثیر بر عملکرد سازمان ملل

واژه سازمان غیردولتی تا زمان شکل‌گیری سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ واژه‌ای رایج نبود و در این سال سازمان ملل در منشور خود بین حق مشارکت نهادهای تخصصی بین دولتی و سازمان‌های خصوصی بین‌المللی تمایز قائل شد. ابتدا در سال ۱۹۱۰ بود که ۱۳۲ سازمان غیردولتی تصمیم گرفتند با یکدیگر همکاری کنند که تحت عنوان اتحادیه‌های بین‌المللی به این عمل مبادرت ورزیدند. بعد از آن در کنفرانس سانفرانسیسکو بود که با لابی عده‌ای بندی برای تقویت و رسمیت بخشی به روابط با سازمان‌های خصوصی که قبلاً با جامعه ملل در ارتباط بودند وارد منشور شد که در قالب مواد ۷۰ و ۷۱ منشور به چشم می‌خورد. بعد از تشکیل سازمان ملل و با توجه به م ۷۱ منشور سازمان مجمع عمومی ابراز تمایل کرد تا با سازمان‌های غیردولتی تبادل اطلاعات کند. پیرو آن این مجمع در قطعنامه شماره ۴ در سال ۱۹۴۶ از شورای اقتصادی و اجتماعی خواست تا کمیته‌ای کارشناسی جهت طبقه‌بندی این سازمان‌ها تشکیل دهد که تصمیمات شورای اقتصادی و اجتماعی نیز در مورد مقام مشورتی برای سازمان‌های غیردولتی بر اساس توصیه این کمیته بین دولی انجام می‌پذیرد که این کمیته ۱۹ عضو دارد و به صورت سالیانه تشکیل جلسه می‌دهد. کمیته مذکور طی قطعنامه شماره ۱۲۹۶ در سال ۱۹۶۸ ضوابط و شرایط اعطای مقام مشورتی به سازمان‌های غیردولتی را تصویب کرد که سرانجام این ضوابط در سال ۱۹۹۶ و طبق قطعنامه E/۳۱ به تصویب مجمع عمومی سازمان رسید که از این شرایط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (شفیعی، ۱۳۸۰)

۱- سازمان‌های غیردولتی با موضوعاتی که در حیطه شورای اقتصادی و اجتماعی است مرتبط باشند.

۲- اهداف و مقاصد این سازمان‌ها باید تابع روح و مقاصد و اصول منشور سازمان ملل باشند.

۳- این سازمان‌ها به پشتیبانی از فعالیت سازمان ملل متحد تعهد داشته باشند.

موارد مذکور به همراه مواد ۹ تا ۱۳ و همچنین ماده ۶۱ قطعنامه مرحله دوم صلاحیت را تشکیل می‌دهند. همان‌طور که ذکر شد عمده فعالیت سازمان‌های غیردولتی برای کسب جایگاه مشورتی با سازمان ملل متحد می‌باشد که رسیدگی به درخواست‌ها به عهده کمیته سازمان‌های غیردولتی شورای اقتصادی و اجتماعی می‌باشد که مرکب از ۱۹ عضو بوده و گزارش‌های سالانه سازمان‌ها را نیز بررسی می‌کند. غیر از کمیته مذکور سه نهاد دیگر نیز در



سازمان ملل متحد با امور سازمان‌های غیردولتی در ارتباط هستند که عبارت‌اند از:

۱- اداره اطلاعات عمومی سازمان ملل متحد^۱

۲- دفتر ارتباطی سازمان‌های غیردولتی^۲

۳- سرویس ارتباطی سازمان‌های غیردولتی^۳

در مجموع وظایف این سه نهاد مذکور را به‌طور خلاصه می‌توان فعالیت‌هایی از قبیل ایجاد ارتباط و همکاری‌های فی‌مابین سازمان و نهادهای غیردولتی در زمینه‌های آموزشی، تبادل اطلاعات، تشکیل جلسات توجیهی، فراهم نمودن تسهیلات برای استفاده از اسناد سازمان ملل و انجام امور اداری برای برقراری ارتباطات و مواردی از این برشمرد.

همان‌طور که ذکر شد عمده کارکرد سازمان‌های غیردولتی در قبال سازمان ملل قرار گرفتن در جایگاه یا مقام مشورتی شورای اقتصادی و اجتماعی (اگو ساک) است که به همین منظور درخواست‌های این سازمان‌ها به کمیته سازمان‌های غیردولتی اکوساک ارائه شده و پس از بررسی‌های این کمیته سازمان‌های غیردولتی در قالب ۳ گروه تعریف می‌شوند: (۱) سازمان‌های دارای مقام مشورتی عام (گروه یک): سازمان‌هایی هستند که عمدتاً فعالیت‌هایشان هماهنگ با موضوعات مطرح در شورای اقتصادی و اجتماعی است و قابلیت‌هایی برای آنها جهت کمک به سازمان ملل برای رسیدن به اهدافش در نظر گرفته شده است. این سازمان‌ها که به نسبت بقیه سازمان‌های مرتبط تعداد کمتری را به خود اختصاص داده‌اند حق ارسال نماینده‌ای برای شرکت در جلسات ارگان‌های تابعه سازمان ملل و همچنین ارائه نظرات خودشان به‌صورت کتبی یا شفاهی را دارا می‌باشند. (۲) سازمان‌های دارای مقام مشورتی ویژه یا خاص (گروه دو): این سازمان‌ها فقط در برخی زمینه‌های کاری شورای اقتصادی و اجتماعی قابلیت ارائه مشاوره دارند و در زمینه خاص و مورد نظر حق شرکت در جلسات شورا را دارا می‌باشند و اظهارنظر می‌کنند. (۳) سازمان‌های دارای مقام فهرست یا گروه راستر: سازمان‌هایی که دارای مقام مشورتی محسوب نمی‌شوند اما شورای اقتصادی و اجتماعی یا دبیر کل سازمان ملل بعد از مشورت با کمیته سازمان‌های غیردولتی شورا از کمک‌های این

^۱ UNDP

^۲ UNGO

^۳ NGLS

سازمان‌ها بهره‌مند می‌شوند. از سازمان‌های گروه یک می‌توان از اتحادیه بین‌المللی زنان، اتحادیه بین‌المجالس و ...، از سازمان‌های گروه دو می‌توان به سازمان عفو بین‌الملل، شورای بین‌المللی محیط‌زیست و ... و از گروه راستر نیز می‌توان به انجمن بین‌المللی معلمین و اتحادیه بین‌المللی مبارزه با سرطان نام برد. البته ظاهراً سازمان‌هایی نیز هستند که هم در گروه یک جای دارند هم گروه دو مثل صلیب سرخ جهانی. علاوه بر ساختار مشروح در اکوساک که از نظر گذشت برخی نهادهای تخصصی و ارکان سازمان ملل و آژانس‌های فعال در سازمان مانند صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)، سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)، کمیساریای عالی پناهندگان نیز دارای مکانیزم‌هایی برای روابط مشورتی و کاری با NGOها هستند. نهادهایی نیز مانند بانک جهانی یا برنامه توسعه صنعتی ملل متحد^۱ نیز در دهه ۱۹۸۰ برنامه‌هایی را به‌منظور مشارکت بیشتر سازمان‌های غیردولتی در برنامه‌های کاری‌شان را اجرا کردند. بر اساس گزارش بانک جهانی مشارکت NGOها در پروژه‌هایی که بانک جهانی آنها را تأمین مالی می‌کند از ۶ درصد طی مهر و موم‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۸ به ۳۰ درصد در اوایل دهه ۱۹۹۰ و ۵۰ درصد در اواخر دهه گذشته افزایش یافته است. اما در میان نهادهای تخصصی وابسته، یونسکو بیشترین استقبال را برای همکاری با سازمان‌های غیردولتی به عمل آورده به‌طوری‌که در بند چهارم از ماده ۱۱ اساسنامه خود همکاری با سازمان‌ها را با ذکر شرایط مجاز دانسته که این همکاری‌ها به دو صورت روابط رسمی و روابط عملیاتی و کاری در جریان هستند.

نتیجه‌گیری

نوع و میزان مشارکت سازمان‌های میان‌دولتی و غیردولتی در شکل‌گیری و اجرای حقوق بین‌الملل در حدی است که امروزه صاحب‌نظران حقوق بین‌الملل به اجماع قائل به شخصیت حقوقی بین‌المللی در مورد سازمان‌های بین‌المللی میان‌دولتی و غیردولتی هستند. در این میان نقش سازمان‌های غیردولتی به دلیل استقلال و شیوه عملکردشان از اهمیت شایانی برخوردار است. بهسازی، اجرا و توسعه حقوق بین‌الملل از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که سازمان‌های

^۱ UNDP



غیردولتی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، نقش‌های عمده‌ای را در آن ایفا می‌کنند. در این عرصه، نهادهای عمومی و دولتی نیز در جهت ارتقای هرچه بیشتر حقوق بین‌الملل با سازمان‌های غیردولتی مشارکت می‌کنند.

نتایج این تحقیق حاکی از آن است سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی از نقش مشورتی خود با سازمان ملل در جهت اثر گذاشتن بر منازعات بی‌پایان به شیوه‌های مختلف استفاده می‌کنند. آنها در پی آن هستند که مجمع عمومی و دیگر بخش‌های سازمان ملل را برای تصویب قطعنامه‌هایی در موضوعات خلع سلاح، توسعه، حقوق بشر و موضوعات دیگر که جزء علل و ریشه‌های اصلی منازعات هستند مُجاب نماید. این سازمان‌ها به توسعه نهادهای جدید سازمان ملل و معاهدات کمک زیادی کرده‌اند. آنها درصدد بوده‌اند تا مباحثات جدیدی مانند محیط‌زیست، حقوق زنان و کودکان را در حوزه صلاحیت سازمان ملل بگنجانند آنها از طریق دیوان بین‌المللی از اعضای سازمان ملل برای مسائل تسلیحاتی و خلع سلاح درخواست‌هایی کرده‌اند و در توسعه دیوان بین‌المللی دادگستری اهمیت فراوانی داشته‌اند و نیز در کمک‌های بشردوستانه، بازپرداخت بدهی‌ها و اجتماعی که اخیراً برای جلوگیری از بروز منازعات فعالیت می‌کنند ایفای نقش کرده‌اند. همچنین باید گفت سازمان‌های غیردولتی چه در سطح ملی چه در سطح بین‌المللی به‌طور فزاینده‌ای به بازیگران مهم و کلیدی تبدیل می‌شوند و در آینده بخش مهمی از سیاست بین‌المللی را هدایت و اجرا خواهند نمود اما علیرغم همه این تأثیرگذاری‌ها و نقش‌های کلیدی که بر عهده گرفته‌اند و به گوشه‌ای از آنها در این پژوهش اشاره شد، چالش‌هایی نیز در ارتباط با فعالیت‌های آنها به چشم می‌خورد که از آن جمله می‌توان به همان جهانی‌شدن و اقتصاد سرمایه‌داری و فرهنگ مسلط جهانی اشاره کرد که با استفاده از قدرت و سرمایه کشورهای توسعه‌یافته و نظام کاپیتالیسم درصدد حذف بسیاری از فرهنگ‌ها و هویت‌ها و اقتصادهای ملی و محلی است، درحالی‌که سازمان‌های غیردولتی وظیفه حمایت و حراست از این هویت‌ها را دارند. از طرفی این سازمان‌ها هنوز نتوانسته‌اند در خصوص مسائل مهم و حیاتی در روابط کشورها مانند خلع سلاح و رژیم‌های تأمین‌کننده امنیت بین‌المللی نقش مؤثر و چشم‌گیری ایفا کنند.

کتابنامه

- ابی صعب، ژرژ. (۱۳۷۳). مفهوم سازمان‌های بین‌المللی. ترجمه ایرج پاد. تهران: انتشارات علمی.
- بیگ زاده، ابراهیم. (۱۳۹۰). سازمان‌های بین‌المللی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- تاموشات، کریستیان. (۱۳۸۶). حقوق بشر. ترجمه حسین شریفی طراز کوهی. تهران، نشر: میزان.
- سعیدی، نیلوفر و عسکری، پوریا. (۱۳۹۵). «سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و نظارت بر اجرای حقوق بشر با تأکید بر عفو بین‌الملل». فصلنامه پژوهش حقوق عمومی. ۱۸(۵۳)، ۵۷-۲۹.
- شاهی، محمدشریف و جلالی، محمود. (۱۳۹۱). «نقش سازمان‌های غیردولتی حقوق بشر در توسعه حقوق بین‌الملل». مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی. ۱۶(۲)، ۹۹-۱۲۶.
- ظریف، محمدجواد و سجادی‌پور، محمدکاظم. (۱۳۹۱). دیپلماسی چندجانبه. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- غفوری، محمد. (۱۳۸۳). «عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در عرصه روابط بین‌الملل نوین». فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. ۶، ۱۲۱-۸۳.
- گلستانی، محمود. (۱۳۹۰). نقش سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در توسعه و ترویج حقوق بشر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان.
- گلشن پژوه، محمودرضا. (۱۳۹۲). راهنمای سازمان‌های غیردولتی. چاپ دوم. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- موسی زاده، رضا. (۱۳۹۱). حقوق سازمان‌های بین‌المللی: حقوق شورای امنیت. تهران: میزان.
- مومنی راد، احمد و مفخم ناصراسلامی، نگار. (۱۳۹۸). «سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی و نقش آنها در حقوق بشر» (مطالعه موردی دیده‌بان حقوق بشر). فصلنامه علمی پژوهشی تعالی حقوق. ۵(۲)، ۱۶۸-۱۴۳.
- نصیری، وحید. (۱۳۹۶). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه و ترویج حقوق بشر با تمرکز بر فعالیت‌های سازمان دیده‌بان حقوق بشر. چاپ اول. شهر ری: وکیل.
- Boulding, E. (1977). *Women in the Twentieth Century World*. New York: John Wiley & Sons. pp. 165-218.
- Jacobson, H. K. (1984). *Networks of Interdependence: International Organizations and the Global Political System*. Second edition. New York: Alfred A. Knopf. pp. 4-10.
- Martens, K. (2002). *Mission Impossible? Defining NGOs*. *International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, 13(3), 271-285.

Powers, R. S., & Vogeleson, W. B. (1997). *Protest, Power, and Change: An Encyclopedia of Nonviolent Action from ACT-UP to Women's Suffrage*. New York: Routledge.

United Nations. (1993). *Agenda 21: Programme of Action for Sustainable Development - The Final Text of Agreements Negotiated by Governments at the United Nations Conference. United Nations Programme of Action from Rio*. New York: UN.

Willets, P. (2002). *What is a Non-Governmental Organizations*. UNESCO Encyclopedia of Life Sciences. <http://www.staff.city.ac.uk/p.willets/CS-NTWKS/NGO-ART.HTM>



فصلنامه مطالعات سیاست بین الملل

دوره ۲، شماره ۲، شماره پیاپی (۳)، تابستان ۱۴۰۱

